

# آموزش و پرورش در بیست سال آینده

دکتر مهناز لنکرانی

## چکیده:

ساختارها، بازسازی ساختارها و باز آفرینی ساختارها بیان نموده‌اند (مشایخ، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

امر باز اندیشی شامل دورنگری<sup>(۱)</sup> وضعیت آموزشی در آینده است. این وضعیت با گردآوری اطلاعات در مورد درونداد آموزش و پرورش، باورها و عقاید و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، مأموریت<sup>(۲)</sup> و رسالت آموزش و پرورش و نیازسنجی<sup>(۳)</sup> آموزش و پرورش تحقق می‌پذیرد. دروندادهای نظام آموزشی اعم از دانش‌آموزان، نیروی انسانی آموزش دهنده، فضاهای آموزشی، تجهیزات و محتوای منابع آموزشی در ۲۰ سال آینده به‌کلی متحول می‌گردد. در این دوره خیز دوم جمعیتی ایران که حاصل رشد جمعیتی سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ در کشور بوده و متولدین سال‌های مذکور به‌سن تشکیل خانواده رسیده‌اند، ایجاد می‌شود. در این جهش دوباره جمعیتی، جمعیت کشور به‌حدود ۹۰ میلیون نفر در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ بالغ می‌گردد و البته ساختار جمعیتی و هرم جمعیتی بازم به‌سمت و سوی جمعیت جوان است. بنابراین آموزش و پرورش همواره با مسأله‌ی بودجه و هزینه‌های فزاینده جهت تأمین فضاهای آموزشی جدید و تأمین نیروی انسانی مواجه است.

سایر اطلاعاتی که در مورد وضعیت آموزشی در ۲۰ سال آینده مورد نیاز برنامه‌ریزان است به‌تفکیک در زمینه‌های زیر مشخص می‌گردد (OCDE, 1996)

- سطح سواد جمعیت بزرگسال
- پراکنندگی سطح سواد بر حسب جنسیت
- نسبت جمعیت جوان

مقاله‌ی حاضر با دیدگاهی انتزاعی بنابر مدل برنامه‌ریزی آموزشی استراتژیک در قالب باز اندیشی ساختارهای آموزش و پرورش به بررسی نظام آموزشی و چالش‌های رو در روی معلمان در ۲۰ سال آینده می‌پردازد.

در این مدل دورنمای نظام آموزشی و رسالت و مأموریت نظام آموزشی برای رسیدن به چشم‌انداز مورد نظر به‌شیوه‌ی تحلیلی بیان می‌گردد.

تغییرات بنیادی در زمینه‌های درونداد و فرایند آموزش و پرورش در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد و محورهای اساسی سازمان یونسکو در سال‌های آینده مورد تأکید واقع می‌شود و در پایان مقاله پیشنهادهای اصلاحی در نظام آموزشی آینده مطرح می‌گردد.

## معلمان و چشم‌انداز آموزش و پرورش در ۲۰ سال آینده:

چشم‌انداز آموزش و پرورش در ۲۰ سال آینده مستلزم پیش‌بینی زیربنای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه در آینده است که بستر تحولات و تغییرات آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد و می‌توان این موضوع را با نگاه برنامه‌ریزی آموزشی استراتژیک مطرح نمود. در مدل برنامه‌ریزی آموزشی استراتژیک دورنمای آموزش و پرورش در سال‌های آینده تبیین می‌گردد. این دورنما با توجه به تغییرات ساختاری جامعه در چهار زمینه‌ی اصلی جامعه‌شناسی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی و همچنین تغییرات جمعیتی مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد.

راجر کافمن و جری هرمن فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی استراتژیک را در قالب سه زمینه‌ی اصلی شامل: باز اندیشی

1-Vision

2- Mission

3- Educational needs

انجام می‌شود و معلمان فرایند آموزش و پرورش را شامل تدریس یک کتاب مشخص در زمان مشخص با روش‌های معلم‌محور و در نهایت امتحان مشخص از اطلاعات فراگیران تلقی می‌کنند و دانش‌آموزان نیز عمده‌ی فعالیت یادگیری را خواندن و تکرار و از حفظ کردن مطالب تلقی می‌نمایند و البته در نظام آموزش و پرورش که هدف عمده‌ی آمادگی برای ورود به دانشگاه و گذر از سد کنکور است، راه حل دیگری باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب فارغ‌التحصیل دبیرستانی با احراز مهارت‌های شهروندی و مهارت‌های اجتماعی و آموزش‌های سطوح بالاتر فاصله‌ی زیادی دارد.

در حالی که ۴ محور اساسی یادگیری مورد نظر سازمان یونسکو شامل یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زندگی و بالاخره یادگیری برای زندگی مسالمت‌آمیز بوده است، در سال‌های آینده محورهای اساسی یادگیری مورد تأکید قرار می‌گیرد.

### یادگیری برای یادگیری *Learning to Learning*

در زمینه‌ی یادگیری برای یادگیری و دانستن، فراگیر به جای حفظ کردن مطالب، همان مسیری را که دانشمندان در فرآیند تولید علم و دانش طی نموده‌اند، باز آفرینی می‌کند و با روش حل مسئله عملاً با نحوه‌ی ساخت دانش آشنا می‌شود.

«در این شیوه از یادگیری دانش‌آموزان با دقت با ارکان یک مبحث علمی یعنی نظریه، مفاهیم تازه، اصول و قوانین آشنا شده در موقعیت‌های جدید با مسئله جدید مواجه می‌شوند و برای حل آن اقدام می‌نمایند. آنها به جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات اقدام می‌کنند و به ارائه حدس‌ها و راه حل‌های احتمالی برای حل مسئله دست می‌زنند، آن‌گاه فرضیه‌ها را در عرصه‌ی عمل مورد آزمون قرار می‌دهند و از شواهد و دلایل کافی برای رد یا تأیید آن استفاده می‌کنند و در نهایت به پذیرش فرضیه‌ی مدلل و قابل قبول می‌پردازند (سعادت‌مند و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۷).

شیوه حل مسئله و شیوه‌ی پرورش خلاقیت از روش‌های مؤثر تدریس است که نظریه‌پردازان شناختی و فرآشناختی از آن پیروی می‌کنند. در این روش‌ها دانش‌آموزان از حالت انفعالی به حالت فعال در آمده و فرآیند یاددهی - یادگیری به‌فعالیتی لذت‌بخش

- نرخ اشتغال برحسب سطح تحصیلات
- هزینه‌ی آموزش منابع انسانی و مالی
- هزینه‌ی آموزش برحسب درصد تولید ناخالص ملی
- سهم آموزش در هزینه‌های دولت
- تعداد دانش‌آموز به‌تعداد معلمان
- تحصیل در سطوح مختلف آموزشی
- نتایج تحصیلات از دیدگاه بازار کار
- سطح تحصیلات و درآمدها
- نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی (مشایخ، ۱۳۸۰،

ص ۵۵)

نرخ باسوادی بزرگسالان در حال حاضر در کشور ایران ۶۸/۶ درصد و نرخ اشتغال به تحصیل در سه سطح نظام آموزشی ۸۴ درصد بوده و نشانگر توسعه‌ی انسانی در کشور برابر ۰/۷۸۱ بوده است. قابل ذکر است نرخ سواد بزرگسالان در کشورهای توسعه یافته صنعتی ۹۸/۵ درصد و نشانگر توسعه‌ی انسانی برابر ۰/۹۱۱ بوده است (UNDP, 1997).

با ملاحظه‌ی تفاوت این نشانگرها مأموریت جاری آموزش و پرورش در سطح کلان، که ارتقای این شاخص‌ها تا سطح کشورهای توسعه یافته است، مشخص می‌گردد. افزون بر موارد ذکر شده از جهت کیفیت و تغییر محتوای منابع آموزشی در سال‌های آینده رویکردهای جدیدی مطرح می‌گردد. در کنفرانس جهانی آموزش و پرورش (ICE) درباره‌ی اهمیت چالش‌های آموزش و پرورش در سال‌های آینده بیان شده است. استراتژی‌های توسعه‌ی آموزش و پرورش در آینده باید مبتنی بر محورهای زیر باشد:

- آموزش شهروندی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش پیشگیری از خشونت
- آموزش مبتنی بر تنوع و تفاوت‌های فرهنگی، آموزش مبتنی بر تنوع زبان مادری

- راهبردهای جدید در یادگیری علوم و ریاضی
- آموزش دیجیتال و ICT (ICE, 2001)

موضوعات ذکر شده بر تفاوت عناوین و محتوای آموزش در حال حاضر و آینده تأکید می‌کند. در حال حاضر فعالیت‌های آموزشی بیشتر بر انتقال دانش و اطلاعات و با روش‌های سنتی

تبدیل می‌گردد.

از دیدگاه فرآشناختی، دانش‌آموز بر فرآیندهای ذهنی خود نظارت فعال دارد و فعالیت‌های ذهنی خود را شخصاً تنظیم و بازسازی می‌کند و تفکر انتقادی یکی از اجزای برنامه‌ریزی درسی تلقی می‌گردد (همان منبع ص ۴۰).

در زمینه‌ی آموزش برای انجام دادن یا *Learning to doing* آموزش باید متضمن توازن و تعادل ویژه‌ای بین آموزش نظری و کار عملی باشد. برنامه‌ی ویژه‌ی این امر باید توسط افراد با صلاحیت و با همکاری مجامع حرفه‌ای و اولیای امور آموزش فنی و حرفه‌ای تدوین گردد. این برنامه باید بر مبنای برداشت تجربه‌گرا و حل مسأله و روش تحقیق صورت گیرد، به‌نحوی که دانش‌آموز با طیفی وسیع از رشته‌های تکنولوژیکی و کارهای تولیدی آشنا شود و مهارت‌های عملی استفاده از ابزار، روش‌های تعمیر و نگهداری ابزار را بیاموزد و روحیه‌ی تولید و خلق و آفرینش داشته باشد.

«توانایی ایجاد ارتباط و اندازه‌گیری و محاسبه‌ی دقیق داشته باشد. ارتباط و وابستگی با مقتضیات محیط برقرار کند و آشنایی با فنون و حرفه‌ها در برنامه‌های آموزش عمومی به‌نحوی تنظیم گردد که تغییرات تکنولوژیک را درک نموده خود را با آنها سازگار کند و مهارت‌های عملی را برای اصلاح خانه و اجتماع و بهبود کیفیت زندگی و اوقات فراغت به‌کارگیرد.» (بیهقی، ۱۳۷۷، ص ۱۸)

در زمینه‌ی یادگیری برای زندگی *Learning to Live* آموزش و پرورش در سال‌های آینده با چالش‌های زیر روبرو است:  
- آموزش و پرورش چگونه در نرخ، ساختار و خصوصیات رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ به‌عبارت دیگر آیا آموزش و پرورش به‌رشد نابرابری‌ها و گسترش فقر کمک می‌کند یا آنرا کاهش می‌دهد و هزینه فرصت‌های از دست رفته‌ی فراگیران که صرف آموزش شده چگونه جبران می‌شود؟

- آیا آموزش منجر به اشتغال می‌شود؟

- آیا آموزش زنان بر ساختار خانواده و کنترل جمعیت تأثیر مثبت دارد؟

- آیا آموزش به کاهش جرم، جنایت و اعتیاد منجر می‌گردد؟

- آیا آموزش زیر بنای اعتقادی و ارزش جامعه را تقویت می‌کند؟

- آیا آموزش به کاهش مهاجرت از روستاها به شهر و کنترل رشد شهرنشینی منجر می‌شود؟

- آیا آموزش موجب بهبود کیفیت زندگی می‌گردد؟

ملاحظه می‌گردد آموزش برای زندگی بهتر مسائل متعددی را مورد نظر قرار می‌دهد که هر مقوله مستلزم برنامه‌ریزی ویژه‌ای است و البته این مهم بدون تعامل با سایر سازمان‌ها و حمایت عوامل برون سازمانی از سیاست‌های آموزشی میسر نیست. به‌عبارت دیگر موفقیت هر برنامه در گرو تعهدی است که ارکان نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور به‌اجرای آن برنامه دارد.

در زمینه‌ی آموزش برای زندگی با یکدیگر *Learning to Live together* در کنفرانس جهانی آموزش و پرورش ۲۰۰۱ استراتژی‌های زیر مطرح شده است.



### توسعه‌ی دانش و ظهور رشته‌های جدید

در ۲۰ سال آینده رشته‌های جدیدی در حیطه‌ی دانش خودنمایی می‌کند. این رشته‌ها در زمینه‌های مهندسی ژنتیک، بیوشیمی پیشرفته، الکترونیک دیجیتال، اطلاعات ایتیکی، ویدئوهای متحرک پیشرفته، علم رباتیک، کامپیوترهای پیشرفته و تحلیل، لیزرها، ایتیک فیبری، میکروویو، سفینه‌های پیشرفته، سلول‌های تصویری، میکرومکانیک، پلیمرهای جدید، سفال‌های پیشرفته، مقاومت‌های فیبری، سوپر هادی‌ها، طراحی ملکولی و بسیاری رشته‌های دیگر که شاید تصور آنها نیز مشکل است (سالیان ۲۰۰۴). برای آموزش رشته‌های جدید در قالب نظام آموزشی، تحولات ساختاری عمیق در این نظام اجتناب‌ناپذیر است. آیا معلمانی که با نظام قالبی آموخته‌های یکنواخت و غیرقابل انعطافی دارند، قادر خواهند بود نیازهای متنوع فراگیران را پاسخ گویند؟

چنانچه معلم نتواند خود را با جهان رو به‌تغییر سازگار نمایند قطعاً با مسائل مختلف و مشکلات فراوان مواجه می‌شوند و مهم‌ترین عامل عدم رضایت شغلی معلمان ممکن است علاوه بر مسائل معیشتی، عدم تطابق با نیازهای فراگیران باشد.

بسیاری از معلمان تصور می‌کنند دانش کافی درباره‌ی موضوع‌های درسی جهت تدریس مؤثر کافی است، در صورتی که علاوه بر احاطه‌ی علمی، مدیریت کلاس و استفاده از ابزار مؤثر در تدریس به‌همان اندازه مؤثر است. روش چند رسانه‌ای *Multi media* از روش‌های مؤثر در کلاس‌های آینده است (لنکرانی، ۱۳۸۲). در این روش، معلم به‌عنوان یکی از ابزار و رسانه‌ها در فرآیند تدریس نقش خود را ایفا می‌کند و از سایر رسانه‌ها از جمله فیلم، ویدئو، کامپیوتر و اینترنت در کلاس درس استفاده مؤثر به‌عمل می‌آید.

استفاده از اینترنت در کلاس‌های درس آینده ضرورتاً مستلزم تسلط معلمان به‌زبان انگلیسی و مهارت‌های کامپیوتر است،

بنابراین معلمان علاوه بر تخصص در رشته‌ی علمی خود مهارت‌های ارتباطی را نیز خواهند داشت. به‌علاوه آموزش از محدوده‌ی کلاس درس خارج خواهد شد. روش‌های آموزش در طول زندگی (*Lifelong Learning*) اشاعه می‌یابد و زمان‌بندی آموزش بسیار قابل انعطاف است. آموزش‌های نیمه وقت و آموزش ضمن کار و قابلیت‌های خودآموزی توسعه خواهد یافت. بنابراین آموزش و پرورش از حیطه‌ی عمل آموزش و پرورش خارج خواهد شد و همه‌ی مراکز اشتغال در زمینه‌ی آموزش کارکنان در طول مدت اشتغال مشارکت می‌نمایند *Lifelong learning in Europe, 2004* افزون بر آن آموزش از حیطه‌ی دوره‌ی سنی خاص خارج خواهد شد و در تمام سنین افراد نیازمند آموزش خواهند بود. چنانچه در سال‌های ۱۳۷۵ در اسپانیا کلاس‌هایی برای نسل سوم شروع به‌کار کرد که در این کلاس‌ها میانگین سن فراگیران بین ۵۰ تا ۶۵ سال بود (همان منبع P22)

شیوه‌های آموزش مداوم مستمراً صلاحیت حرفه‌ای معلمان را افزایش خواهد داد و سازمان‌های ذی‌نفع لزوماً با تأمین حقوق و دستمزد مناسب و حمایت‌های مادی و معنوی موجب افزایش رضایت شغلی معلمان می‌گردند.

«متغیرهای مؤثر بر رضایت شغلی معلمان شامل عوامل سازمانی، عوامل محیطی، ماهیت کار و عوامل فردی است.»  
*jobIRAN.com*

در سازمان‌های آینده که سازمان‌های پیشرو هستند، ساختار متمرکز و دیوان‌سالاری رو به‌کاهش و روش‌های مبتنی بر دموکراسی رو به‌افزایش است. هم‌چنین صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان ارتقا یافته، اثربخشی منابع انسانی افزایش می‌یابد. بنابراین پرداخت حقوق و ترفیعات نیز به‌تناسب صلاحیت‌های حرفه‌ای ایشان افزوده خواهد شد و به‌تبع آن رضایت شغلی معلمان افزایش می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

چشم‌انداز آموزش و پرورش در آینده، دورنمای نظام بسیار

پیش‌بینی و غیرقابل تصور دارد، ولی با توجه به این‌که هر آینده‌ای مبتنی بر گذشته است، آینده آموزش و پرورش بر اساس عملکرد گذشته آن پیش‌بینی می‌شود. به عبارت دیگر موقعیت گذشته است. تغییرات بنیادی در زیربنای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه صورت می‌گیرد و تغییرات دیگر شامل تغییر در باورها، نگرش‌ها و عقاید معلمان و جامعه نسبت به آموزش و پرورش، تغییر در فضاهای آموزشی، تغییر در ماهیت دانش و منابع آموزشی، تغییر در جمعیت، تغییر در شیوه‌های آموزش و تغییر در اهداف آموزش و پرورش است. تغییرات دیگر شامل تغییر در سطوح آموزش و پرورش و تکنیک‌های یادگیری است. پایه‌های اساسی یادگیری در بیست سال آینده یادگیری برای یادگیری، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زندگی و یادگیری برای زندگی با یکدیگر بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد. آموزش و پرورش از چهارچوب آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای به آموزش‌های نیمه رسمی و غیررسمی، آموزش در محیط کار و زندگی و یادگیری برای زندگی با یکدیگر بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد. آموزش و پرورش از چهارچوب آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای به آموزش‌های نیمه رسمی و غیررسمی، آموزش در محیط کار و زندگی و آموزش در طول عمر اشاعه می‌یابد. تنها متولی آموزش جامعه سازمان‌های آموزش و پرورش نخواهد بود بلکه جامعه‌ی یادگیرنده با مشارکت همه‌ی سازمان‌ها و افراد ایجاد می‌شود. صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان روز به روز بیشتر شده و ارتقای علمی معلمان به اصلاح وضعیت معیشتی و رضایت شغلی ایشان منجر می‌گردد و نهایتاً ساختار آموزش و پرورش از وضعیت متمرکز به وضعیت کاملاً غیر متمرکز بر اساس نیازهای اجتماعی مبدل می‌شود.

### پیش‌نهادهای

- اصلاح ساختار نظام آموزشی از وضعیت متمرکز به غیرمتمرکز در آینده
- اصلاح وضعیت بودجه‌ی آموزش و پرورش با توجه

به ساختار غیرمتمرکز در آینده

- اصلاح و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان بنا بر نیازهای آینده
- اصلاح وضعیت معیشتی معلمان متناسب با صلاحیت‌های حرفه‌ای ایشان در آینده
- توسعه‌ی آموزش از چهارچوب‌های سنتی و کلاس درس به سوی جامعه‌ی فراگیر و محیط کار و آموزش در طول عمر
- اصلاحات بنیادی در رشته‌های آموزشی و فرآیند آموزش بنا به نیازهای رو به تغییر آینده
- تأکید بر یادگیری برای در کنار هم زیستن و همزیستی مسالمت‌آمیز
- اصلاحات در سیستم مدیریتی آموزش و پرورش به سوی روش‌های مشارکتی
- اصلاحات در زمینه‌ی محتواهای آموزشی و روش‌های آموزشی

### منابع

- بیهقی، علی اکبر، آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰ (مجموعه پنجم) تک نگاشت شماره ۱۰، تهران، خرداد ۱۳۷۷.
- سعادت‌مند، زهره و همکاران مقایسه روش تدریس سنتی با روش حل مسأله دانش و پژوهش، شماره ۹، اصفهان: ۱۳۸۰.
- لنکرانی، مقاله‌ی تأثیر آموزش چند رسانه‌ای در حیطه‌ی هنرهای تجسمی، ویژه‌نامه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۲.
- مشایخ، فریده، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- Job IRAN . com.
- I.C.E, confrence international Education, Geneva, 2001.
- Education for ALL, World Education, 2001.
- Key technologies programe, act online, 2004.
- Lifelong learning in Europe, Abstracts, 2004.
- Study of school to work Reform, 2004.